

هو العزيز - لم يزل نفحات قدس از

رضوان عنایت

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



هُوَ الْعَزِيزُ

لم یزل نفحات قدس از رضوان عنایت الهی در وزیدن بوده و لا یزال بروایح عزّ معنوی از یمین عرش ربّانی در هبوب خواهد بود سحاب جود و کرم آنی از ابلاغ فیوضات منیعه ساکن نگشت و غمام فضل و رحمت آنی از انزال امطار فیض نیاسود بحمد الله شمس عنایت مشرق است و بدر مکرمت از افق عزّت طالع و لکن نفوس مشغوله و نقوش محدوده از این رحمت اصلیه و نعمت سرمدیه ممنوع بوده و بحجبات وهمیه و سبحات ظنیه محتجب و محروم خواهند بود معلوم آنجناب بوده که مقصود از آفرینش عرفان حقّ و لقای آن بوده و خواهد بود چنانچه در جمیع کتب الهیه و صحف متقنه ربّانیه من غیر حجاب این مطلب اُحلی و مقصد اُعلی مذکور و واضحست و هر نفسی که بآن صبح هدایت و فجر اُحدیّت فائز شد بمقام قرب و وصل که اصل جنّت و اُعلی الجنان است فائز گردید و بمقام قاب قوسین که ورای سدره منتهی است وارد شد و الا در امکانه بعد که اصل نار و حقیقت نفی است ساکن بوده و خواهد بود اگر چه در ظاهر بر اکراس رفیعه و اعراش منیعه جالس باشد بلی آن سماء حقیقت قادر و مقتدر است که جمیع ناس را از شمال بعد و هوی یمین قرب و لقاء رساند لو شاء الله لیکون الناس اُمة واحدة و لکن مقصود صعود انفس طیبه و جواهر مجرّده است که بفطرت اصلیه خود بشاطئ بحر اعظم وارد شوند تا طالبان جمال ذوالجلال از عاکفان امکانه ضلال و اضلال از یکدیگر مفصول و ممتاز شوند کذلک قُدّر الامر من قلم عزّ منیر ان شاء الله امیدواریم که آنجناب خود را از صهبای رحمت اِلهی منع نفرمایند و نظر پاک را باسباب فانیه نیالایند تا از سراب فانی بجزر باقی واصل



ORIGINAL

شوند و همچنین سبب عدم ظهور مظاهر عدل و مطالع فضل باسباب قدرت ظاهریه و غلبه ملکیه همین شئونات فصل و تمیز بوده چه اگر آن جوهر قدم علی ما کان علیه ظاهر شود و تجلی فرماید احدی را مجال انکار و اعراض نماند بلکه جمیع موجودات از مشاهده انوار او منصعق بلکه فانی محض شوند دیگر در این مقام مُقْبِلِ إِلَى اللَّهِ از مُعْرِضِ بِاللَّهِ منفصل نگردد چنانچه در جمیع مظاهر قبل این مطلب وضوح یافته و بسمع عالی رسیده اینست که مشرکین در هر ظهور بدیع و تجلی منیع چون جمال لا یزال و طلعت بیثال را در لباس ظاهر ملکیه مثل سایر ناس مشاهده مینمودند بدین جهت محتجب گشتند و غفلت نموده بآن سدره قرب تقرب نمیجستند بلکه در صدد دفع و قلع و قمع مقبلین إِلَى اللَّهِ برآمده چنانچه در این کور ملاحظه شد که این همج رعاع گمان نموده اند که بقتل و غارت و نفی احبای الهی از بلاد توانند سراج قدرت ربانی را بیفserند و شمس صمدانی را از نور باز دارند غافل از اینکه جمیع این بلایا بمنزله دهن است برای اشتعال این مصباح کذلک یُبْدِلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَإِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ چنانچه از هجرت این مهاجران باین سمت اشتها و علو این امر جمیع امکانه ارض را احاطه نموده چنانچه اهل این اطراف مطلع شده اند و این نصرت را سلطان احدیه بید خود اعلاء فرمود مِنْ دُونِ أَنْكَه احدى مطلع شود و یا شاعر باشد اینست معنی آن شعر پارسی که میگوید

﴿تو گرو بردی اگر جفت اگر طاق آید﴾

در هر حال سلطنت و قدرت و غلبه سلطان حقیقی را ملاحظه فرما و گوش را از کلمات مظاهر نفی و مطالع قهر پاک و مقدس فرمائید که عن قریب حق را محیط بر جمیع و غالب بر کل خواهید دید و دون آن را مفقود و لا شیء محض ملاحظه خواهید فرمود اگر چه بحمد الله حق و مظاهر او همیشه در علو ارتفاع و سمو امتناع خود بوده بلکه علو و سمو بقول او خالق شده لو أنتم ببصر هذا الغلام تنظرون و دیگر اینکه این عبد همیشه در ذکر آن دوست بوده و سبقت دوستی آنجناب از نظر نرفته و ان شاء الله نخواهد رفت بشرطها و شروطها و أنا مِنْ شَرْطِهَا و امیدواریم که این ذکر را نسیان مقطوع ننماید و این اثبات را محواز پی نیاید و امید از رب العزة چنانست که در نهایت بعد صوری بمنتهی قرب معنوی فائز باشی چنانچه کُلٌّ مِنْ عَلَى الْأَرْضِ مِیَانِ آنجناب و حضرت مقصود حجاب نشود زیرا که دون این قرب و بعد مذکوره قرینی عند الله مذکور است که او را شهبی و ضدی و مثلی در عالم ملکیه که امکانه حدود است متصور نه جهدی باید که بالطف سلطان احدیه بآن مقام درائی تا از شجره بعد و اثمار و اوراق او بالمره پاک و مقدس گردی و این قریبست که ببعد تبدیل نشود و بدوام الله باقی خواهد بود و الله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم